

به نام خداوند خورشید و ماه |
که دل را به نامش خرد داد راه |



لقمه



مهر و ماه

فارسی ششم

مریم کاظمی میقانی





فهرست

۹

فصل اوّل: آفرینش

۱۰

ستایش

۱۲

درس اوّل: معرفت آفریدگار

۲۲

درس دوم: پنجره‌های شناخت

۲۹

فصل دوم: دانایی و هوشیاری

۳۰

درس سوم: هوشیاری

۳۷

درس چهارم: داستان من و شما

۴۴

درس پنجم: هفت خانِ رستم

۵۵

فصل سوم: ایرانِ من

۵۶

درس ششم: ای وطن

۶۳

درس هفتم: درس آزاد (فرهنگِ بومی ۱)

۶۹

درس هشتم: دریاقلی

فصل چهارم: نام‌آوران

۷۹

۸۰ درس نهم: رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌پرس

۹۰ درس دهم: عطار و جلال‌الدین محمد

۹۷ درس یازدهم: شهدا خورشیدند

فصل پنجم: راه‌زندگی

۱۰۵

۱۰۶ درس دوازدهم: دوستی / مشاوره

۱۱۸ درس سیزدهم: درس آزاد (فرهنگ بومی ۲)

۱۲۳ درس چهاردهم: راز زندگی

فصل ششم: علم و عمل

۱۲۹

۱۳۰ درس پانزدهم: میوه‌ی هنر

۱۳۸ درس شانزدهم: آداب مطالعه

۱۵۰ درس هفدهم: ستاره‌ی روشن

آزمون نوبت اول

۱۶۴

آزمون نوبت دوم

۱۶۹

فصل اوّل

آفرینش



وَمَا بَدَأْنَاهُ بِمَنْجُوقٍ

ستایش: به نام آن که جان را فکرت آموخت

واژه‌نامه

- ◀ فکرت: اندیشه، تفکر
- ◀ برافروخت: روشن کرد
- ◀ فضل: احسان، بخشش
- ◀ فیض: بخشش، عطا
- ◀ گلشن: گلزار، گلستان
- ◀ فروغ: نور، پرتو، روشنایی
- ◀ تاب: توان، طاقت
- ◀ تجلی: پیدا شدن
- ◀ تعالی: بلندمرتبه، برتر

معنی و مفهوم

به نام آن که جان را فکرت آموخت

چراغِ دل به نورِ جان برافروخت

◀ معنی: به نام خداوندی [آغاز می‌کنم] که به جان، تفکر و اندیشه آموخت و دل را که مانند چراغی است با نورِ جان، روشن کرد.

ز فضلش هر دو عالم، گشت روشن

ز فیضش خاکِ آدم، گشت گلشن

◀ معنی: از بخشش و احسان خداوند، هر دو جهان روشن شد و به واسطه‌ی عطای پروردگار، انسانی که از خاک آفریده شده به گلستانی از معرفت و عشق تبدیل شد.

جهان، جمله، فروغِ نورِ حق، دان

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

◀ معنی: همه‌ی هستی را از وجود خداوند روشن بدان. به راستی خداوند از شدت پیدا و آشکار بودن، نهان است.

خرد را نیست تابِ نورِ آن روی

بُرو از بهرِ او، چشمِ دگر جوی

◀ معنی: عقل، توانایی درک پروردگار را ندارد. [ای طالبِ حق] برای اینکه پروردگار را ببینی، چشم دیگری پیدا کن. (با چشم سر نمی‌توان خداوند را دید؛ بلکه از راه شناخت دل باید به خدا رسید.)

در او هر چه بگفتند از کم و بیش

نشانی داده‌اند از دیده‌ی خویش

◀ معنی: هر کس صفات و ویژگی‌هایی از پروردگار بیان کند، کم یا زیاد، از دیدگاه خودش گفته است و از ویژگی‌های واقعی خداوند فاصله دارد.

به نزد آن که جانش در تجلی است

همه عالم، کتابِ حق تعالی است

◀ معنی: در نزد کسی که جان و دلش در نور حق پیدایی یافته است، همه‌ی جهان، کتابی برای شناخت خداوند بلندمرتبه است.

قالب: مثنوی

گلشن راز، شیخ محمود شبستری

یک دسته گل دماغ پرور از خرمن صد گیاه، بهتر

معنی: یک دسته گل خوشبو و معطر که موجب نشاط روح و جان شود، بهتر از مقدار زیادی گیاه بی بو و بی فایده است.

قالب: مثنوی

نظامی

مفهوم لقمه‌های شعر

کم‌گویی و سنجیده سخن گفتن فضیلت است.

واژه‌های مهم املائی

هوشیاری * علاقه * قصد شکار * می‌تاخت * تربیت * اتفاقاً *
 تشنگی * چیره * صحرا * آزرده خاطر * هلاک * زلال * قطره قطره *
 اژدها * حرارت * زهرآلود * مخلوط * سراسیمه * به عرض رسانیده *
 ظرف * افسوس * سود


دانش زبانی

ساخت واژه‌ها در زبان فارسی


تک‌هجایی (یک بخشی)

 **مثال:** باد، گل، نور


دو‌هجایی

 **مثال:** مادر، خانه، روشن


سه‌هجایی

 **مثال:** برادر، هوشیاری، گلخانه

بیشتر از سه هجا

 **مثال:** خانواده، آتش‌نشانی، آزادگی

• خواندن واژه‌ها و جمله‌های کوتاه و یک بخشی، معمولاً مشکلی ندارد؛ اما در واژه‌های چندبخشی گاهی خواندن و تشخیص شکل درست، دشوار است و دقت بیشتری می‌طلبد.

 **مثال:** رازی به من گفت.

در مثال بالا کلمه‌ی «رازی» هم می‌تواند نام فامیلی باشد مانند زکریای رازی و هم می‌تواند به معنای راز و رمز باشد.

نکات نگارشی

شرح حال نویسی یکی از روش‌های تمرین در نویسندگی است؛ شرح حال نویسی یعنی به توصیف و توضیح زندگی شخص مهمی پرداختن. (از نظر علمی، تاریخی، ادبی و...) در شرح حال نویسی باید به زمان و محل تولد، محل زندگی، ویژگی‌های خلقی و جسمی، وقایع مهم زندگی و... توجه کنیم.

تاریخ ادبیات

واعظ کاشفی

تاریخ زندگانی: قرن نهم هجری

توضیحات: حسین بن علی بیهقی سبزواری

واعظ، ملقب به کمال الدین، دانشمند،

واعظ و نویسنده‌ی مشهور در سبزواری بود.



وی در علوم دینی، معارف الهی، ریاضیات و نجوم مهارت داشت.

آثار: انوار سهیلی * روضة الشهداء * فتوت نامه‌ی سلطانی

نظامی گنجه‌ای (گنجوی)

تاریخ زندگانی: قرن ششم هجری

توضیحات: جمال‌الدین ابومحمد الیاس بن یوسف بن زکی متخلص به نظامی، شاعر و داستان‌سرای بی‌همتای ایرانی است که پیشوای داستان‌سرایی در ادبیات فارسی به شمار می‌آید.



آثار: مخزن الاسرار * لیلی و مجنون * خسرو و شیرین

پرسش‌ها

- معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 - الف) کمند در گردن حیوانات می‌انداخت.
 - ب) بازارا بر زمین کوبید و هلاک کرد.
 - پ) رکاب‌دار شاه رسید.
 - ت) بی‌درنگ جام را پاکیزه شست.
 - ث) یک دسته گل دماغ‌پرور از خرمن صد گیاه، بهتر
- با استفاده از واژه‌های داده‌شده، جدول زیر را کامل کنید.

«افسوس - سؤال - ساعت - پشیمان - چشم - جام - قطره - رکاب‌دار - آه - شاه - ظرف - جانور - مناسب»

یک بخشی

دو بخشی

سه بخشی

۳. درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را مشخص کنید.

الف) «انوار سهیلی» از آثار واعظ کاشفی است.

ب) «زهرآلود» واژه‌ای دوبخشی (دوهجایی) است.

پ) «ملال» و «مالامال» هم خانواده هستند.

۴. معنای بیت زیر را در دو سطر بنویسید.

«کم گوی و گزیده گوی چون دُر

تا ز اندک تو، جهان شود پُر»

۵. بیت‌های زیر را کامل کنید.

الف) لاف از سخن چو دُر توان زد

ب) یک دسته گل از خرمن بهتر

۶. در کدام گزینه غلط املایی دیده می‌شود؟

۱) آب را که قطره قطره از کوه می‌چکید در آن جام جمع کرد.

۲) پادشاه از آن حرکت، آزرده خاطر گشت.

۳) شاه از شدت تشنه‌گی خشمگین شد و باز را بر زمین زد.

۴) رکاب دار از کوه پایین آمد و آنچه را دیده بود به عرض رسانید.

۷. کدام گزینه جزء آثار نظامی نیست؟

۱) مخزن الاسرار

۲) لیلی و مجنون

۳) خسرو و شیرین

۴) بوستان

◀ معنی: دریاقلی! نام تو به بزرگی دریاست و تاریخ در بیان نام بزرگ تو، ناتوان است.

قالب: قطعه

محمدرضا ترکی

مفهوم لقمه‌ای شعر

دین و میهن به تصمیم و جوانمردی انسان‌هایی مانند دریاقلی وابسته است.

بخوان و ببندیش تندگویان

واژه‌نامه

- ◀ ساعی: سعی‌کننده، کوشا، پرتلاش، تلاشگر
- ◀ متدین: دین‌دار
- ◀ تحقق: به حقیقت پیوستن، درست شدن
- ◀ غافل: بی‌خبر، فراموشکار
- ◀ دژخیمان: دشمنان
- ◀ مدعی: ادعاکننده
- ◀ تحمیلی: اجباری
- ◀ قوا: جمع قوه، نیروها

معنی و مفهوم

دلا، دیدی آن عاشقان را؟ / جهانی، ربایی در آوازشان بود
 ◀ معنی: ای دل! آن عاشقان را دیدی که یک دنیا آزادی در صدا و ترانه‌هایشان بود.

و در بند، حتی / قفس، شرمکین از شکوفایی شوق پروازشان بود!

◀ معنی: و حتی در بند و اسارت نیز، اتاق زندان از اشتیاق آنها به شهادت و شکفتن، شرمسار و شرمنده بود.

قالب: نیمایی

سید حسن حسینی

مفهوم لقمه‌های شعر

آزادگی شهدا، عشق آنان به خداوند و وصال حق را بیان می‌کند.

واژه‌های مهمّ املائی

- * دریاقلی سورانی * توان * هدف خویش * ملّتی هوشیار * فداکاری *
- * تصمیم بهنگام * جان فشانی به موقع * محدود * وابسته *
- * جوامع بشری * ارج می‌نهند * خاطره * آثار هنری * حفظ * کهن *
- * دلاورمرد * کماندار * مرز * قلّه * چله‌ی کمان * پرتاب * بیگانگان *
- * اسداری * نام‌آوران * پرورانده * دفاع مقدّس * جنگ تحمیلی *
- * شگفت‌انگیز * مانع سقوط * شغل * اوراق فروشی * خردسال *
- * گورستان * اتومبیل فرسوده * کوی ذوالفقاری * حاشیه * متوجّه *
- * سربازان بعثی * غافلگیرکننده * بهمن شیر * محاصره * اشغال *
- * فوراً * بی سرو صدا * چشم‌انتظار * همّت * تانک * تکلیف * وسعت *
- * الکن * خروشان * خمپاره * به سرعت * مدافعان * نفوذ * بی‌درنگ *
- * مقابله * عملیات * معروف * تلفات * به شدّت * انتقال * شهادت *
- * مزار * بی شک * سرنوشت‌ساز * ترس و تردید * اتّفاقات ناگوار *

دانش زبانی


نشانه‌های نگارشی: علامت‌هایی هستند که خواندن و فهم مطالب را برای ما آسان می‌کنند.

مهم‌ترین و پرکاربردترین نشانه‌های نگارشی


① **نقطه (.)**: علامتی است که توقف در خواندن را نشان می‌دهد و در پایان جمله‌ها به کار می‌رود.

 **مثال:** جنگ در مناطق جنوبی آغاز شده بود.


② **ویرگول یا درنگ‌نما (،)**: علامتی است که توقف و درنگ کوتاه را نشان می‌دهد. در میان عبارت‌ها یا جمله‌ها و برای جدا کردن واژه یا عبارت توضیحی یا جدا کردن اسم‌های اشخاص و... به کار می‌رود.

 **مثال:** سرانجام، این مهندس شجاع، شهید تندگویان، غریبانه به شهادت رسید.

③ **دو نقطه (:)**: قبل از نقل قول مستقیم، هنگام توضیح دادن، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن واژه‌ها از این نشانه استفاده می‌کنیم.

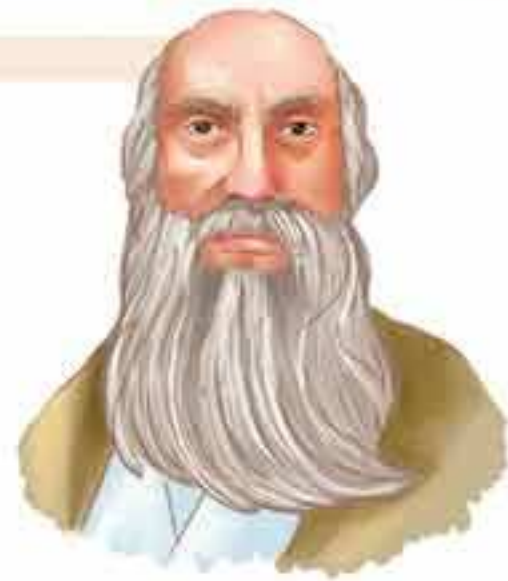
 **مثال:** متدین: دین‌دار

④ **علامت سؤال (?)**: در پایان جمله‌های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید، ریشخند و... به کار می‌رود.

 **مثال:** دلا، دیدی آن عاشقان را؟

عطار نیشابوری

تاریخ زندگانی: قرن ششم و هفتم هجری
توضیحات: عارف و شاعر نام‌آور نیشابور که
 جزء پیشگامان سرودن اشعار عارفانه به
 شمار می‌آید.
اثر: منطق الطیر



مولوی

تاریخ زندگانی: قرن هفتم هجری
توضیحات: مولانا جلال‌الدین محمد بلخی،
 عارف و شاعر بزرگ ایران زمین که از اشعارش
 در جهان استقبال شده است.
اثر: مثنوی معنوی



پرسش‌ها



۱. معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.
 الف) پدر برای بدرقه‌ی مهمان رفت.
 ب) شیخ خندید و بگفتش ای سلیم
 این درخت علم باشد ای علیم
 پ) تو به صورت رفته‌ای، ای بی‌خبر
 زان ز شاخ معنی‌ای، بی‌بار و بر
۲. معنی بیت زیر را بنویسید.
 «آن یکی کش صد هزار آثار خاست
 کمترین آثار او عمر بقاست»

۳. هم خانواده‌ی واژه‌های زیر را بنویسید.

عجیب: حاکم:

۴. متن زیر را با استفاده از واژه‌های داده‌شده کامل کنید.

«عطار نیشابوری - بهاء‌الدین - اسرارنامه - محمد»

«..... حسابی خسته شده بود. پدرش گفته بود به نیشابور که برسیم، چند روز می‌مانیم. آنها به زیارت خانه‌ی خدا می‌رفتند. دانشمند بزرگ نسخه‌ای از کتاب خود، را به او هدیه داد.»

۵. غلط‌های املائی متن زیر را بیابید و درست آنها را بنویسید.

«پدر برای بدرغهی مهمان رفت. محمد مشقول خاندن کتاب شد. شیخ به پدرش گفته بود: مراغب او باش، به خاست خدا، آینده‌ی درخشانی خواهد داشت. او به مغام بزرگی خواهد رسید.»

۶. الف) نمودار قالب مثنوی را رسم کنید.

ب) یک کتاب بنویسید که در قالب مثنوی سروده شده است.

۷. معنای کدام گزینه درست است؟

(۱) تمسخر: تعجب، تحیر

(۲) بدرقه: مهمانی، ضیافت

(۳) ماشاءالله: آنچه خدا خواست

(۴) بقا: زودگذر، موقتی

پاسخنامه 

۱. الف) مشایعت، همراهی کردن / ب) سالم، بی عیب، ساده دل -
بسیار دانا، عالم، اهل فضل و علم / پ) ظاهر - بی ثمر،
بی حاصل، بیهوده
۲. علم و دانش صد هزار فایده دارد که کمترین آنها، عمر جاودان است.
۳. عجیب: تعجب / حاکم: محکوم
۴. محمد - بهاء الدین - عطار نیشابوری - اسرارنامه
۵. بدرقه - مشغول - خواندن - مراقب - خواست - مقام
۶. الف)

○ _____	○ _____
□ _____	□ _____
△ _____	△ _____
* _____	* _____

ب) مثنوی معنوی

۷. گزینه ی «۳»

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی «۱»: تمسخر: ریشخند کردن، مسخره کردن

گزینه ی «۲»: بدرقه: مشایعت، همراهی کردن

گزینه ی «۴»: بقا: ماندگاری، جاودان ماندن

- ◀ قید: بند
- ◀ ریسمان: طناب، بند
- ◀ خُلق: خوی، منش
- ◀ فَلَک: وسیله‌ای چوبی برای تنبیه که در مکتب‌خانه‌های قدیم، موجود بود و دانش‌آموزان خطاکار را با آن تنبیه می‌کردند.
- ◀ ادّعا کردن: طلب کردن مزیتی برای خود
- ◀ محفل: مجلس

مفهوم لقمه‌ای متن

اگر می‌خواهیم چیزهای جدیدی بیاموزیم، باید ذهن و فکرمان را خالی کنیم و بدون ادّعا برای طلب‌دانش قدم برداریم.

نیایش

واژه‌نامه

- ◀ جهان پادشاهی: پادشاهی جهان
- ◀ بَصْر: بینایی، روشنی دیده، دیدن
- ◀ فرجام: پایان، آخر، عاقبت کار
- ◀ آراستی: زینت دادی، زیبا کردی
- ◀ بُرون: بیرون
- ◀ یاریگر: کمک‌کننده، کمک‌رسان، یاری‌رسان
- ◀ رستگار: سعادت‌مند
- ◀ خشنود: راضی، خوشحال

معنی و مفهوم

خدایا، جهان پادشاهی تو راست

ز ما خدمت آید، خدایی تو راست

◀ معنی: ای خدا، پادشاهی و سروری در جهان، فقط مخصوص تو است. کار ما خدمت و بندگی است و سروری و خدایی برای تو است.

پناه بلندی و پستی تویی

همه نیستند، آنچه هستی تویی

◀ معنی: تو پناهگاه همه‌ی جهان هستی. هیچ‌کس وجودی از خودش ندارد و همه‌ی هستی برای تو است.

همه آفریدست بالا و پست

تویی آفریننده‌ی هر چه هست

◀ معنی: همه‌ی بلندی‌ها و پستی‌های جهان، آفریده‌ی تو است و تو خالق همه چیز هستی.

خرد را تو روشن بصر کرده‌ای

چراخ هدایت تو بر کرده‌ای

◀ معنی: تو عقل و خرد را وسیله‌ی روشنی دیده قرار دادی و هدایت را مانند چراغی روشن کرده‌ای.

جهانی بدین خوبی آراستی

بُرون ز آنگه یاریگری خواستی

◀ معنی: جهان را به این زیبایی و نیکویی خلق کردی، بدون اینکه از کسی کمک و یاری بخواهی (تو خالق یکتایی).

خداوندِ مایی و ما بنده‌ایم
به نیروی تو یک به یک زنده‌ایم

◀ معنی: تو خدا و سرپرست ما هستی و ما بندگان تو هستیم. با نیرو و خواست تو است که ما زنده هستیم.

راهی پیشم آور که فرجام کار
تو خشنود باشی و من دستگار

◀ معنی: خدایا، راهی پیش روی من قرار بده که عاقبت کار، تو راضی باشی و من سعادتمند شوم.

قالب: مثنوی

نظامی

مفهوم لقمه‌ای شعر

حمد و ستایش خداوند یکتا و دعا برای عاقبت به خیری را بیان می‌کند.

واژه‌های مهمّ املائی

بزرگمهر * وصیت * آخرالزمان * پیغامبر * محمد مصطفی (ص) *
روزگار * نخست * بدو گروم * بهشت * حکما و علما * بهره * دریغ *
یادگاری * یگانگی * اطاعت * خدای عزوجل * زینهار * پارسا *
حرام * راستگوی * ملاک * دروغزن * ارچه * گواهی * نپذیرند *
بی‌عیب * عطا * ستوده * زاد * حرمت

آزمون‌ها



ویکتاب ویندوزی

آزمون نوبت اول

نام:
 تاریخ امتحان:
 نام خانوادگی:
 موضوع امتحان:

متن املای تقریری

به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل، به نور جان برافروخت
 ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم گشت گلشن
 اندیشه کردن اندر کار خالق و مخلوق، روشنائی افزایش
 اندر دل و غفلت از این و نا اندیشیدن، تاریکی افزایش اندر
 دل و نادانی، گمراهی است.

رستم بار دیگر، در چشمه شست و شو می کند. آنگاه با خدای خود
 به راز و نیاز می پردازد و او را سپاس می گزارد و بدین سان، خان
 سوم به پایان می رسد.

وطن، خانه ی شماست و من عامل پیوستگی و اتحاد همه ی
 اعضای این خانه ام. شناسنامه و سند شناخت شما در هر جای ایران
 و در هر گوشه ی جهان، زبان ملی ایرانیان یعنی زبان فارسی است.
 شغل دریاقلی، اوراق فروشی بود. او در آن هنگام به همراه فرزند
 خردسال خود در گورستانی از اتومبیل های فرسوده در کوی
 ذوالفقاری در حاشیه ی آبادان زندگی می کرد.

پرسش‌ها

۱. برای هر واژه، دو هم خانواده بنویسید.

موزون:
 معرفت:
 نظر:
 نقش:

۲. متضاد هر واژه را بنویسید.

هجر فروغ
علیم سهل

۳. مفهوم بیت زیر را در دو سطر بنویسید.

«علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل درتونیست، نادانی»

۴. درستی یا نادرستی هر جمله را مشخص کنید.

الف) نظامی گنجه‌ای، شاعر قرن هشتم هجری قمری است.

ب) «بحث و مباحث» هم خانواده‌اند.

پ) در زبان فارسی، معمولاً «نهاد» ابتدای جمله قرار می‌گیرد.

ت) در پایان جملات امری و عاطفی، نقطه می‌گذاریم.

۵. در بیت «خروشید و جوشید و برکند خاک / ز سَمَش زمین شد

همه چاک چاک» چه آرایه‌ی ادبی به‌کار رفته است؟ توضیح دهید.

۶. واژه‌های هم‌معنی را به هم وصل کنید.

افتخار	○	آبرو	○
پیکار	○	پادشاه	○
اعتبار	○	سرافرازی	○
اتحاد	○	نبرد	○
مَلِک	○	احسان	○
فضل	○	یکی شدن	○

۷. واژه‌های زیر را با نشانه‌ی «ان» جمع ببندید.

الف) نویسنده: _____ ب) بیچاره: _____

پ) پارسا: _____ ت) بینوا: _____

۱۳. نشانه‌های نگارشی متن زیر در کدام گزینه، به ترتیب درست آمده است؟

یکی از بچه‌های ته کلاس خطاب به من گفت من هم فارسم اسمت چیست

(۱) « - ، - ، - . - ؟ - » (۲) « - ، - . - ؟ - »

(۳) « - ، - . - . - ؟ - » (۴) « - ، - ! - ، - »

۱۴. در کدام گزینه، نهاد به درستی مشخص نشده است؟

(۱) آب ارچه همه زلال خیزد

(۲) جام را پر کن و فرود آر

(۳) مرغ زیرک که می‌رمید از دام

(۴) خشنودی تو، مایه‌ی خشنودی من است

پاسخ‌نامه

۱. موزون: وزن، توازن / نظر: منظره، نظاره / معرفت: عرفان، عارف / نقش: نقاش، نقوش

۲. هجر: وصل / فروغ: ظلمت / علیم: نادان / سهل: دشوار

۳. هرچه علم بیاموزی و در طلب دانش زحمت بکشی، تا زمانی که علمت را به کار نگیری و به آن عمل نکنی، نادان و بی‌خرد هستی. علم و دانش زمانی مفید است که به کار گرفته شود.

۴. الف) نادرست / ب) درست / پ) درست / ت) نادرست

۵. آرایه‌ی مبالغه: شاعر در جوش و خروش اسب و شدت آسیب زدن او به زمین مبالغه (بزرگ‌نمایی) کرده است.